



ثواب صبر پر مصیبتہا و زوال سلامتی
و فقدان فرزند ان و عزیزان



سرشناسه: شیر، عبدالله، -۱۷۷۴ ۱۸۲۶ م.
عنوان قراردادی: تسلیة القلب الحزین عند فقدان الحبه و البینین
فارسی

عنوان و نام پدیدآور: تسلیة الحزین: پادشاه رنجهای زندگی
علامه شیر، مترجم حسین مصاحب نیا
مشخصات نشر: قم: نورالزهراء، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری: ۱۹۶ ص،
شابک: ۶-۷-۹۳۲۵۵-۶۰۰-۹۷۸ ریال: ۴۰۰۰۰

وضعیت فهرست نویسی: فیا.
یادداشت: عنوان دیگر: پادشاه رنجهای زندگی
یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس
موضوع: احادیث اخلاقی - قرن ۱۴
موضوع: اخلاق اجتماعی - جنبه های مذهبی - اسلام
موضوع: اخلاق اجتماعی - احادیث
موضوع: عیادت بیمار (اسلام) - احادیث
موضوع: سوگواریها - احادیث
شماره ثبت: ده، مصاحب نیا، حسین مترجم
رده بندی کنگره: ۵۴۱ ت ۵ ش ۲۴۸/ BP
رده بندی دیوبند: ۱/۲۱۷

پادشاه روح‌های زندگی

مؤلف: سید عبد الله شیر

مترجم: حسین مصاحب نیا

ناشر: نورالزهراء (س)

صحافی: مشعل

نوبت چاپ: اول/ ۱۳۹۲

شمارگان: ۵۰۰۰ جلد

قیمت: ۴۰۰۰۰ ریال

وَالْبَاقِيَاتُ كَمِ

بَشِيٍّ مِنَ الْخَوْفِ

وَالْجُوعِ وَتَقْصُرُ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ

وَالْفَرَكَ وَشَرِّ الصَّابِرِينَ ﴿١٥٧﴾ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ

مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّ إِلَيْنَا أَلْوَنُ ﴿١٥٨﴾ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ

صَلَواتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ

(بقره: ۱۵۷-۱۵۸)

و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی و کاهشی
در اموال و جانها و محصولات می آزماییم و مرده ده
شکیبایان را ﴿۱۵۷﴾ کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد
می گویند ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می گردیم ﴿۱۵۸﴾
بر ایشان درودها و رحمتی از پروردگارشان [باد] و راه یافتگان
[هم] خود ایشانند

رسول خدا (ص): تسلی دادن [عمردگان] بهشت را به ارمغان می آورد.



فهرست

۷	شرح حال علامه
۱۹	مقدمه مؤلف
۲۳	فصل یکم: فضیلت عافیت
۲۸	فصل دوم: ثواب صبر کردن بر بلا و بیماری
۶۱	فصل سوم: جواز شکایت بیمار نزد برادران دینی خو
۶۴	فصل چهارم: شکایت نکردن به غیر خدا بهتر است
۷۲	فصل پنجم: ترک مداوا در صورت امکان
۷۴	فصل ششم: راه رفتن گاهی سبب عودت بیماری می شود
۷۴	فصل هفتم: استحباب خبر دادن بیماری به برادران دینی
۷۶	فصل هشتم: ثواب عیادت بیمار و ترغیب به آن
۸۲	فصل نهم: دعای بیمار مستجاب است
۸۳	فصل دهم: عیادت بیماری که چشم درد دارد
۸۵	فصل یازدهم: کوتاه کردن زمان عیادت
۸۶	فصل دوازدهم: استحباب هدیه بردن برای بیمار
۸۷	فصل سیزدهم: استحباب برآوردن حاجت بیماران

- فصل چهاردهم: ادعیه‌ای برای بیمار ۸۷
- فصل پانزدهم: خوش نداشتن مرگ اشکالی ندارد ۹۴
- فصل شانزدهم: جواز فرار از وبا ۹۶
- فصل هفدهم: تب‌دار، جامه به خود نپیچد، با آب سرد تب را فرو نشاند ۹۹
- فصل هجدهم: استحباب صدقه دادن برای بیمار ۱۰۱
- فصل نوزدهم: یاد مرگ ۱۰۲
- فصل بیستم: نکوهش آرزوی دراز و غفلت از اجل ۱۰۴
- فصل بیست و یکم: ثواب صبر بر فقدان عزیزان ۱۰۶
- فصل بیست و دوم: ثواب صبر کردن بر فقدان فرزندان ۱۴۰
- فصل بیست و سوم: کرامت سبب مصیبت بر پای زدن ۱۷۸
- فصل بیست و چهارم: کرامت حزن و آه و واویلا کشیدن ۱۷۹
- فصل بیست و پنجم: کرامت ناله سر دادن بر روده ۱۸۱
- فصل بیست و ششم: جواز اظهار حزن پیش از وقوع مصیبت ۱۸۲
- فصل بیست و هفتم: استحباب آرامش یافتن و به فراموشی بردن مصیبت ۱۸۵
- فصل بیست و هشتم: جواز گریستن بر عزیز از دست رفته ۱۸۷
- فصل بیست و نهم: جواز نوحه‌سرایی در مرگ عزیزان ۱۹۰
- فصل سی‌ام: استحباب تسلی دادن به مصیبت دیده ۱۹۱
- فصل سی و یکم: زمان تسلی دادن ۱۹۳
- فصل سی و دوم: چگونه تسلیت دهیم؟ ۱۹۴

شرح حال علامه

ولادت

علامه بزرگوار، سید عبدالله شمس، سال ۱۱۸۸ ه.ق) در نجف اشرف به دنیا آمد. پدرش علامه جلیل القدر سید محمد رضا، در کاظمین، تحصیل، تدریس و نگارش کرد و تا پایان امر مبارکش در آن دیار زیست؛ در همان مکان متبرک به خاک سپرده شد.

تربیت

شکی نیست که تربیت، در پرورش، اصلاح و تأدیب و به کمال رسیدن انسان اثری شگرف دارد، اما، باید، تربیت شونده استعداد فطری، مایه ذاتی و گیرنده قوی داشته باشد تا از آموزش و تربیت ثمری یابد و زحمات را به هدر ندهد؛ زیرا، تربیت، نمی تواند، مایه ها و عناصر اولیه را به نوآموز عطا کند. تربیت، همچون صیقل دادن آینه است؛ خرد را جلا می دهد و ذهن را روشن و با صفا می کند

و جوان را به اندازه استعداد، ویژگی‌ها و توانمندی‌های او اصلاح می‌کند. استعداد، محیط مناسب برای پرورش، و وجود معلمی شایسته سه عامل مهمند که موجب شکوفایی، رشد و پیدا شدن چهره‌های درخشان و تحول آفرین می‌گردند.

این شرایط، برای سید بزرگوار ما فراهم آمد؛ هوش سرشار و خانواده فرهیخته و مهذب که به تعلیم و تربیتش عنایت ویژه داشتند و استادان مهذب و مجرب که خود در مکتب قرآن و اهل بیت پرورش یافته بودند. و نشان بر صفحه دل می‌نشست و محو نمی‌گشت، بارور می‌شد و به بلور می‌رفت؛ از این رو، او به درجه‌ای رسید که سخنش برای دیگران حجت شد و شخصیتی ممتاز و معتمد یافت؛ به گونه‌ای که اهل فن به دانش او اطمینان پیدا کردند.

اندوخته علمی

نمی‌شود، از شخصیت، و ثروت علمی و دانش فراوان علامه کبیر سخن گفت و در پیشگاه و اندوخته علمی پربار و سودمندش زانوی ادب بر زمین نهاد و نسبت به آثار جاودانه‌ای که از خود به جا گذاشته، سراپا کرنش و احترام نگشت.

اگر از کثرت تألیفات و نوشته‌ها و آثار جاودانه این عالم بزرگ آگاه شویم و بدانیم که او فقط پنجاه و چهار بهار در این عالم زیسته و از میانسالی پا فراتر نهاده، حیرت زده می‌شویم؛ به ویژه بینیم، آثار به جا مانده او همه فرآورده‌هایی ارزشمند و مفیدند که با پژوهش و کاوش

به دست آمده‌اند و زائیده اندیشه ژرف و نظر تیزبین اویند.

تاریخ را که بگشاییم و اوراق آن را زیر و رو کنیم، نام علامه حلّی رحمته الله را می‌یابیم که گوی سبقت را از دیگران ربوده و بیش‌ترین تألیفات از آن او است.

او عالمی است که صفحات تاریخ شیعه را از هر حیث روشن و تابناک کرده و تاریخ، او را به عنوان بزرگ‌ترین شخصیت علمی شیعه معرفی کرده است. تألیفات علامه حلّی رحمته الله در تطبیق با روزهای عمرش، به گونه‌ای اند که باید، از لحظه به دنیا آمدن تا هنگام وفات هر روز یک جزوه مکتوب به نگارش درآمده باشند؛ به همین دلیل معاصرانش، او را مجلسی دوم لقب داده‌اند؛ بنام این، او در تاریخ جاودانه خواهد ماند و آیندگان او را به عظمت خواهند ستود؛ چنان که گذشتگان ستودند.

باید، حافظه بسیار قوی، اطلاعات وسیع و دقت در ضبط و نگهداری مطالب را به اندوخته و ثروت پر بار علمی او افزود. بسیار می‌شد که ایشان را با خواندن متن روایت بدون ذکر سند می‌آمودند و او سلسله سند آن حدیث را تا معصوم رحمته الله بر می‌شمرد.

شرایط تألیف

شیوه و شرایط او در نگارش کتاب چنان نبود که به کناره‌گیری از مردم نیاز داشته باشد و جایی خلوت اختیار کند و در اتاقی ویژه بنشیند؛ بلکه، غالباً در مجالس عمومی خود می‌نشست و قلم به دست می‌گرفت؛ گاه می‌نوشت و گاهی با دیدار کنندگان سخن می‌گفت؛ در

این میانه، به شکایات و مرافعات مردم رسیدگی می کرد و آن ها را به بهترین وجه فیصله می داد؛ نه انبوه بازدید کنندگان و نه همه مه شاکیان، هیچکدام او را از نگارش و تألیف باز نمی داشت.

آری، انسان های بزرگ که شیرینی دانش را چشیده اند و هدفی والا دارند، دشواری ها را تحمل می کنند؛ به راستی مردان راستین چنینند!

تألیفات

با گذری به تألیفات سید در می یابیم که این عالم پژوهشگر چه تلاش اعجاب انگیزی در این راه بذل کرده است. در این جا فقط نام برخی از کتاب های او را ذکر می کنیم.

۱. یک دوره کتاب بیست جلدی (مباحث توحیدی، طب، نجوم، رجال و ...) به نام «جامع الاحکام فی الاخبار».

۲. «مصابح الظلام در شرح مفاتیح شرایع الاسلام» - چندین مجلد قطور.

۳. «المصابح الساطع» شرح مختصر مفاتیح شرایع الاسلام در شش جلد.

۴ و ۵. دو خلاصه از کتاب «جامع الاحکام فی الاخبار».

۶. ترجمه عربی کتاب «جلاء العیون» مرحوم مجلسی در سه جلد.

۷. منتخب کتاب مذکور.

۸. مثير الاحزان فی تعزیه سادات الزمان.

۹. «حق یقین» در موضوع اصول دین، دو جلد.

۱۰. «مصابیح الانوار» در حل مشکلات اخبار، دو جلد.

۱۱. «صفوة التفاسیر» در تفسیر قرآن، چهار جلد.
۱۲. «الجواهر الثمین» در تفسیر قرآن، دو جلد.
۱۳. «التفسیر الوجیز» معروف به «تفسیر شبر» یک جلد.
۱۴. شرح نهج البلاغه.
۱۵. «زينة المؤمنین و اخلاق المتقین» در اخلاق.
۱۶. «الدرر المشورة» (مواعظی که از خدای تعالی، پیامبر و ائمه طاهرین علیهم السلام و حکما رسیده‌اند).
۱۷. «نهج العارفین» به زبان فارسی در اخلاق.
۱۸. رساله‌ای فارسی در اعمال شب و روز.
۱۹. «انوار الساعة» در علوم چهار گانه: عارف، اخلاق، عجایب مخلوقات و فقه.
۲۰. «اعمال السنة» (کتابی است، به روش زاد النعمان مرحوم مجلسی رحمته الله).
۲۱. رساله‌ای در حجیت خبر واحد از اخبار.
۲۲. «ذریعة النجاة» در تعقیب نماز به روش مصابیح مرحوم مجلسی رحمته الله.
۲۳. «علم الیقین» در طریقه قدما و محدثین.
۲۴. «روضة العابدین» در دو جلد، (جلد نخست در اعمال روز و شب و دعاهاى هفته و جلد دوم در اعمال سال).
۲۵. «تسلية الفؤاد» در مرگ و معاد.
۲۶. «تسلية الفؤاد» در از دست دادن فرزندان.
۲۷. «منهج السالکین» در اخلاق.

۲۸. طب الاثمّه علیه السلام.

۲۹. «البرهان المبین» مباحثی دربارهٔ باز بودن درهای علوم اثمّه

معصومین علیهم السلام.

۳۰. «المهذب» در اخلاق.

۳۱. طریق النجاة.

۳۲. «احسن التقویم» نجوم بر حسب آنچه در شرع اقدس وارد

شده است.

۳۳. رسالای دربارهٔ باز بودن باب علم و رد نظریه‌های مخالف.

۳۴. «بغیة الطالبین» دربارهٔ درست بودن طریقهٔ مجتهدین.

۳۵. رساله‌ای دیگر بر سبب رسالهٔ مذکور به نام «المنهج القویم فی

طریقهٔ القدماء والمحدثین».

۳۶. «زبدة الدلیل» رساله‌ای در فقه اسلام علیه السلام.

۳۷. «زاد الزائرین» به زبان فارسی.

۳۸. «المزار» با شرح عربی و فارسی.

۳۹. «صفاء القلوب» در اخلاق.

۴۰. «كشف الحجاب للدعاء المستجاب» در شرح دعای سمات.

۴۱. «مطلع النیرین» دربارهٔ لغت قرآن و حدیث احد الثقلین.

۴۲. «تسلية الحزین» دربارهٔ فقدان نزدیکان و فرزندان.

و ده‌ها رساله و کتاب دیگر که در این جا مجال نام بردن یک

آن‌ها وجود ندارد.

تلاش‌ها

دانستیم که سید، پیوسته در کار نگارش و تألیف بود و بیش‌تر اوقات خود را به این کار اختصاص داده بود؛ با این حال، او برای رتق و فتق امور مردم و رفع نیازهایشان از هیچ کوششی دریغ نداشت؛ هرگز از رسیدگی کردن به کارهای مردم شانه خالی نمی‌کرد؛ شب هنگام، بخش زیادی از شب را به نماز، دعا، قرآن و مناجات می‌گذراند؛ پیوسته، در حال کار و تلاش بود؛ یا در حال حل کردن مسأله‌ای بود و یا به دنبال برآوردن حاجت دیگران و دستگیری از آنان می‌رفت؛ پاک و منزّه است، خدایی که چنین انسان‌های پاک و سلیم النفس و خدومی را آفرید تا در مکارم اخلاق و فضایل و الایمانی نمونه‌ای باشند.

ویژگی‌های شخصی و اخلاقی

سید مردی میانه بالا و تنومند بود؛ چهره نورانیش، همچون پاره ماه می‌درخشید؛ رویی زیبا و مویی سیه‌فام و کهربایی داشت. هرگاه کسی به رویش می‌نگریست و گفتار شیرینش را می‌شنید، از او دل نمی‌کند و چون با او هم سخن می‌شد، تسلی و آرامش می‌یافت؛ شاگردانش، درباره او چنین گفتند و ما چنین شنیدیم.

اخلاق

او آیت و اسوه‌ای حسنه، برای همگان بود؛ گشاده رو بود و متبسم؛ با کوچک و بزرگ مهربان و عطوف بود؛ پناهگاه و تکیه‌گاه ضعیفان بود

و تا می توانست از آنان دستگیری می کرد؛ به عیادت بیماران می رفت و بر جنازه مؤمنان نماز می گزارد؛ گفتار و کردارش چنان بود که گویا، هر لحظه خود را در محضر خدا می بیند؛ ویژگی های اخلاقی و صفات ستودنی دیگر داشت که مقام و منزلت او را نزد دوست و دشمن بالا برده بود و محبوب همگان کرده بود؛ زیرا، عیبی در او نمی یافتند و چاره ای جز ستایش او نداشتند.

استادان

زمانی دراز برد در سن، سید محمد رضا علوی حسینی و برهه ای از زمان نزد علامه آن دوران، استاد کبیر سید محسن اعرجی صاحب کتاب های «المحصول»، «الوسایل»، «شرح الوافیة» و تألیفات ارزشمند دیگر، تلمذ کرد و از شیخ طایف، امام اکبر، شیخ جعفر، صاحب کتاب کم نظیر «کشف الغطاء» اجازه یافت.

فرزندان

از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت است که فرمود: «انسان چون بمیرد، عملش قطع می شود؛ مگر از سه ناحیه: دانشی که پس از وفاتش از آن بهره مند شوند و فرزند صالحی که برای او دعا فرستد و صدقه جاریه».

اموری را که پیامبر صلی الله علیه و آله در این حدیث زرین ذکر فرمود، نعمت هایی است که برخوردار از آنها سعادت مند دنیا و آخرت است؛ نامش جاودان، جایگاهش رفیع و عزتش مدام است. پروردگار لطیف و مهربان،

مقدر کرده بود که سید بزرگوار، از این اسباب به طور کامل برخوردار باشد و عملش از این دنیا بریده نشود؛ دانشی وافر و سودمند از خود به جای گذاشت و توفیق صدقات جاریه به او عنایت فرمود و فرزندان صالحی به او عطا کرد که علم و عمل را به هم آمیخته بودند و درودها و دعاهای خیر را برای پدر روانه می ساختند.

نام فرزندان

علامه سید حسین و علامه سید حسن، که در سال ۱۲۴۶ ه. ق در کاظمین وفات یافتند و سید بهرگار و صالح، سید محمد که در سال ۱۲۵۲ ه. ق در کربلا وفات یافت. علامه سید جعفر که بر شرایع شرحی مبسوط نگاشته و تاکنون چهار جلد آن به طبع رسیده است؛ همچنین، سید موسی و سید محمد جواد که در سال ۱۲۴۶ ه. ق وفات یافتند. خداوند همه آنان را غریق رحمت خود فرماید.

شاگردان

علامه شبّر، چون از شخصیت های بارز و نادر روزگار خود بود، اهل علم، بار دانش اندوزی خود را در محضر او افکنده بودند؛ و محلّ آمال و آرزوهای دوستداران دانش و طالبان علوم دینی بود و دانش پژوهان، پروانه وار گرد گرمای وجودش حلقه می زدند و برای فهم دروس و نظریات او تلاش می کردند و به برکت وجود دانش گسترش، عالمان بسیاری به درجات و کمالات والا رسیدند که ما نام

بزخی از شاگردان میرزا را که بسیاری از آن‌ها خود صاحب تألیفات ارزشمند و از علمای بزرگ دوران خود بودند - در این جامی آوریم.

شیخ عبد النبى کاظمی، رجالی معروف، شیخ اسماعیل فرزند شیخ اسد الله و سید علی عاملی، و فرزند علامه شبر سید حسن، شیخ محمد جعفر دجیلی و شیخ محمد رضا فرزند شیخ زین الدین، شیخ احمد بلاغی و شیخ محمد اسماعیل خالصی و شیخ مهدی فرزند شیخ اسد الله، ملا محمد علی تبریزی و ملا حسین تبریزی و ملا محمود خویی و سید محمد علی نواده امام کبیر سید محسن اعرجی و شیخ حسین محفوظ عاملی و سید هاشم فرزند سید راضی و شاگردان بسیار دیگر از عرب و عجم و رضوان الله تعالی علیهم اجمعین.

وفات

سرانجام، روح پاک سید در شب پنجشنبه، ماه رجب، سال ۱۲۴۲ هـ. ق در کاظمین به ملکوت اعلی پیوست و هنوز سپیده دم روز جمعه سر زده بود که کاظمین از جمعیت سوگوار موج می زد؛ اهالی بغداد نیز سراسر به این جمعیت پیوستند. مردم که از شنیدن خبر وفات غافلگیر شده بودند، حیرت زده بر سر و سینه می زدند و صدای ضجه و ناله شان به آسمان بر می خاست. اشکیابی را از کف داده بودند و چون سیلی خروشان برای تشییع جنازه فقید سعیدشان می شتافتند و تابوت او را بر روی سرانگشتان خود می بردند. دل‌ها از شدت حزن و اندوه می خواست، از جا کنده شوند و با سید همراه گردند.

سرها برهنه بودند؛ و دست‌ها بر سینه‌های سوخته می‌کوفتند و نوحه‌های سوزناک محلی با شور و حرارت بر زبان‌ها جاری بودند تا سید را به صحن شریف کاظمی آوردند. در آن جا فرزند برومند و سوگوارش، علامه سید حسن، بر جنازه‌اش نماز گزارد و انبوه جمعیت هم‌نواي او شدند و از سویدای دل و با تمام وجود، برای سید از خدا رحمت، جنت و رضوان طلبیدند؛ سپس، او را در رواق کاظمین و در بالا سر شریف، در حجره‌ای که پدر گرامیش در آن آرمیده بود، به خاک سپردند. مردم اندوهگین که عالم محبوب خود را به خاک سپرده بودند، ناگزیر باز گشتند و دل‌های سرخشان را با اشک دیدگان التیام دادند.

تسلية الحزين

کتاب «تسلية القلب الحزين»، عند فقد الاحبة و البين، کتابی است، نظیر «مُسْكَنُ الْفُؤَادِ» شهید ثانی، جز این که مؤلف این کتاب، ابراهیم مُسْكَنُ الْفُؤَادِ بهره بسیار برده و در تمامی ابواب با خبرگی، اخبار مناسب آن باب را برگزیده و در یکجا گرد آورده است. امیدواریم، ترجمه فارسی این کتاب ارزشمند، بتواند، خواننده کمال جو را گامی به خدا نزدیک کند و ثوابی برای سید جلیل القدر رحمه الله، خواننده، مترجم و ناشر آن اندوخته گردد.

بِمَنِّهِ وَكَرَمِهِ

بسم الله الرحمن الرحيم

ستایش خدایی را که بقال دوام را ویژه خود کرد و ذات شریف خود را از فساد و زوال منزّه داشت و بر همه گان حکم مرگ را جاری ساخت و شاه، گدا، خاصّ و عام را در خاک برابر نهاد و در کلام مُنَزَّل بر پیامبرِ مُرْسَل خود که بهترین کلام است فرمود:

«هر که روی زمین است، دستخوش مرگ و فنا است و رنده ابدی

ذات شکوهمند خدای کریم است»^۱.

بندگان خود را با ابتلا به بیماری‌ها و فقدان نزدیکان و کسان گرفتار ساخت و با مصیبت‌ها و محنت‌ها در بوتۀ آزمایش نهاد تا صابران را پاداش دهد و شاکران را ثواب بخشد. او که سخنش حق است و راستگوترین گویندگان است، فرمود: «البته شما را به سختی‌هایی چون ترس و گرسنگی و نقصان مال‌ها، جان‌ها و ثمرات بیازماییم؛ به صابران، بشارت باد! آنان که چون به حادثۀ سخت و ناگواری دچار شوند، صبوری پیش

گرفته و گویند: ما از آنِ خداییم؛ به فرمان او آمده ایم و به سوی او باز می گردیم، درود و الطاف الاهی و رحمت خاص خداوند شامل آنان است؛ به حقیقت هدایت یافتگانند»^۱.

گواهی می دهیم، معبودی جز آن خداوندگار حکیم نیست که زبان عصیانگران را با دست اجل برید و با سپاه مرگ، نخوتِ جباران را در هم شکست؛ او که عزّت و بقا را ویژه خود کرد و بندگان را با مرگ و فنا مقهور ساخت و خود گواهی داد که هیچ معبود آمرزنده و مهربانی جز او نیست. کسی که به هر موجودی عدمی، هستی بخشید و با فرمانی برگشت باید، بر فتنه و فریب خود را به سوی آنان گسیل داشت و همه را در تنگنای شکاف کورم جای داد، و در رستاخیزی شگفت، استخوان های پوسیده مفقودان هلاک گشته را به جنبش آورد و در محشر کبری همگان را به سوی خود فرا می خواند؛ روز حقی که به حقایقش گواهی داده اند تا هر کس جزای کردار خود را بیابد. و او که داناترین است، مؤمن را از منکر به خوبی باز آورد.

«بر محمد ﷺ، خاتم پیامبران، رسولان و ناسخ شرایع جمله پیشینیان درود می فرستیم؛ کسی که پیامبری پس از او نیست و به دینی پر قدرت دعوت می کند؛ به راه راست رهنمون می شود؛ کسی که خلق عظیم دارد؛ درود بر خاندان او که محلّ نزول وحی، قرآن، معدن علم فضیلت و تأویل کتابند.

همانان که نام هایشان بر عرش جلیل مکتوبند و جبرئیل به خدمتشان

مفتخر. درود خدا بر ایشان باد تا آن‌گاه که فرشته‌ای تسبیح خدا می‌گوید و فلک به فرمانش می‌گردد.

پس از حمد و ثنا...

این فقیرترین خلق به پروردگار غنی خود، عبدالله، فرزند محمدرضا حسینی - احوال پسر و پدر، را خدا به سامان کند و راست گفتارشان سازد و بر کردارشان رضایت دهد، - می‌گوید:

همواره در فکر سستی و نظر قاصر من خطور می‌کرد که کتابی درباره اخبار پیامبر ﷺ و عترت علیا، یعنی بزرگان و امامان معصوم مکتب تشیع (فرقه امامیه) - بنگارم؛ اخباری که درباره ثواب صبر بر مصیبت‌ها، زوال سلامتی، فقدان فرزندان و عزیزانند؛ امیدواریم که تسلی بخش هر مصیبت‌دیده، مونس و یار هر غم‌زده و رنج‌کشیده باشد.

اخبار رسیده را در این موضوع از ائمه اطهار - که سلام عدلی جبار بر ایشان باد - جست‌وجو می‌کردم؛ ولی، کثرت اشتغال و وخامت احوال مرا از گردآوری اخبار پراکنده و احاطه بر احادیث متفرق آن باز داشت؛ کتاب «بحار الانوار» از مرحوم علامه مجلسی و «وسائل الشیعه» از شیخ حرّ عاملی را در نقل اخبار این باب کافی یافتیم و به آرزوی خود رسیدیم؛ اخبار و آثار منظور را در این کتاب، برگزیده و گرد آوردم تا مایه بصیرت و یادآوری برای اهل خرد باشد و سزاوار اجر عظیم و ثواب بسیار گردند. آن اخبار را با ترتیبی مناسب و پیرایشی در خور، مرتّب ساختم و آن را «تسلیة الحزین فی فقد العافیة

وَالْأَحْبَابِ وَ الْبَنِينَ » نامیدم . امیدوارم ، خدای سبحان ، این تحفه را در جهت جلب رضایت خویش قرار دهد و مرا به سبب تألیف آن ، در بهشتِ نعیم با امامانم محشور گرداند ، همانا ! او حلیم ، کریم ، غفور و رحیم است .